

«فلا تظنوا انكم آمنوا»

شماره داخله: ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۰۱۸۲-۵۹  
 تاریخ تنظیم: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷  
 شماره پرونده: ۸۸۰۹۹۸۱۵۱۶۲۰۰۱۹۹  
 شماره پایگانی شعبه: ۰۰۰۰۹۵۹

شعبه اول دیوان عالی کشور

دادنامه



دیوان عالی کشور

متقاضی اعاده دادرسی: رئیس کل دادگستری استان مازندران

دادخوانده: اداره اوقاف و امور خیریه استان مازندران و آقای حسینعلی خادمی

دادخواسته: دادنامه شماره ۰۰۰۸۲ صادره از شعبه سوم دیوان عالی کشور

مرجع رسیدگی: شعبه اول دیوان عالی کشور

هیأت شعبه آقایان: سید احمد مرتضوی مقدم «رئیس» - عنایت حیاتی - غلامعلی صدیقی (مستشاران)

خلاصه جریان پرونده:

در تاریخ ۸۲/۲/۱۸ ۱- حسینعلی خادمی ۲- اداره اوقاف ساری به طرفیت اداره منابع طبیعی ساری دادخواستی به خواسته نقض رأی مورخ ۸۲/۶/۱۱ (موضوع پرونده کلاسه ۳۴۳/۸۱) قاضی هیأت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ و اعلام وقفیت اراضی موقوفه آقمشهد به دادگستری ساری تقدیم که به شعبه اول دادگاه عمومی ارجاع شده و توضیح داده اند با توجه به فتوکپی وقفنامه موقوفه و نامه های علما و مجتهدین که در ازمنه متمادی بعد از انقراض نسل واقف متولی بوده اند و اجاره نامه های قدیمی که مستأجرین شش دانگ موقوفه اعم از مراتع و اراضی مزروعی و از چوب جنگلی استفاده می کرده اند و قرارداد اجاره نامه های بین راه آهن شمال و موقوفه و نامه های شماره ۵۰۹۵- ۱۳۱۹/۴/۱۳ و ۶۱۹۲- ۱۳۳۵/۳/۲۹ اداره ثبت اسناد و املاک که ضمن تحدید حدود اربعه موقوفه می نویسند دولت هیچگونه نقشی در موقوفه آقمشهد ندارد و نامه شماره ۷۵۱۲۴۵۲- ۱۳۴۱/۳/۱۵ و ۳۵۲۴- ۱۳۴۱/۴/۲۰ که حدود موقوفه توسط نماینده اداره ثبت اسناد و نماینده اوقاف سرچنگلداری وقت تعیین شده و کلیه اراضی مرتعی و غیرمرتعی و حدود جنگل مشخص و میله گذاری شده که الان هم میله گذاری آن موجود می باشد و مستندات دیگر حکایت دارد اراضی مورد ادعا (که با توجه به رأی معترض عنه ملی شده) وقف بوده و رأی صادره غیر قانونی است و باتوجه به تبصره ۶ موضوع قانون الحاق دو تبصره به ماده واحده قانون ابطال مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ رأی صادره صحیحاً اصدار نیافته؛ زیرا اراضی مورد بحث اولاً در حریم روستای موقوفه بوده و ثانیاً، قبل از تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۶ احیاء شده بنابراین اراضی موصوف موقوفه می باشد و چون اراضی در زمان اجرای صیغه وقف و بعد از آن به عنوان اراضی موقوفه در آن بهره برداری می شده نمی توانیم بگوییم از وقفیت خارج شده تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر نقض رأی معترض عنه کرده اند. دادگاه وقت رسیدگی تعیین کرده نماینده اداره اوقاف در جلسه دادرسی اظهار داشته شش دانگ قریه آقمشهد با کلیه متعلقات آن برابر وقفنامه و سابقه عمل به وقف و سوابق ثبتی وقف مسلم می باشد و اداره منابع طبیعی تا قبل از ملی شدن جنگلها و مراتع کشور حقوق موقوفه را در رابطه با بهره برداری از جنگلهای آن پرداخت می کرده که اسناد آن ضمیمه دادخواست می باشد. در اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگلها و مراتع موقوفه آقمشهد ملی اعلام شد پس از انقلاب اسلامی در اجرای فتوای امام راحل مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی کلیه موقوفات که در گذشته

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanecalee.ir)

«مَلَا تَهْمُوا الْهَوَىٰ لَنْ نَعْتَبَهَا»

شماره دادنامه : ۱۳۰۰۶۳۹۰۰۰۰۱۸۲۰۵۹  
 تاریخ تنظیم : ۱۳۰۰/۰۲/۱۷  
 شماره پرونده : ۸۸۰۹۹۸۱۸۱۳۲۰۰۱۹۹  
 شماره پایگانی شعبه : ۹۵۹-۰۰۰

شعبه اول دیوان عالی کشور

دادنامه



دیوان عالی کشور

به بهانه تبدیل به احسن یا ملی شدن از وقفیت خارج شده بود به حالت اولیه اعاده و هیأت وزیران برابر مصوبه ۷۸ / ۱۲ / ۱۵ سازمان جنگل‌ها را مکلف کرده مراتب وقفی واقع در حریم روستاهای موقوفه را به متولیان و اداره اوقاف تسلیم نماید با وجود مصوبات مذکور اداره منابع طبیعی با صدور آگهی در صدد تملک مراتب موقوفه برآمده که این اداره و متولی به آگهی مذکور اعتراض کرده و از سوی اداره منابع طبیعی کتباً دعوت به عمل آمد ولی متاسفانه هیأت موضوع ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی با وجود دعوت قبلی از حلول جلسه و خارج از وقت عادی اقدام به صدور حکم مورد اعتراض نموده که در تضاد با قوانین موضوعه و سوابق ثبتی است و به شرح خواسته تقاضای رسیدگی کرده‌اند؛ نماینده اداره خواننده به سمت خواهان‌ها که دلیل ارائه نکرده اند اعتراض کرده و اعلام نموده خواسته خواهانها متجز نیست نماینده اداره اوقاف دوخواسته خود را در یک دادخواست تجمیع کرده و اول باید اثبات وقفیت نماید سپس به رأی کمیسیون اعتراض کند جلسه دادگاه جهت ارائه دلیل سمت قانونی خواهان‌ها در پرونده تجدید شده خواهان‌ها معرفی نامه اداره اوقاف و تصویر حکم تولیت خود را به دادگاه تقدیم کرده‌اند سپس دادگاه قرار ارجاع امر به کارشناس صادر نموده تا کارشناس منتخب با ملاحظه پرونده و پرونده مطروحه در اداره منابع طبیعی ساری موضوع رأی قاضی هیأت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی ... و حضور در محل وترسیم کروکی با عنایت به نقشه هوایی و مشاهده دقیق رویش های گیاهی و بررسی خاک و آثار و علائم موجود در زمین مورد بحث و توجه به مزروعی بودن یا غیرمزروعی بودن آن دقیقاً بررسی و اعلام نماید آیا اراضی موصوف ملی می‌باشد یا خیر ، چنانچه اراضی مرقوم ملی تشخیص گردد دلائل رد موارد اعتراض خواهان‌ها را نیز اعلام نماید . آقای کارشناس نظریه خود را به شرح لایحه وارده شماره ۱/۸۶۷۶ مورخ ۸۳/۱۱/۲۴ به دادگاه تقدیم داشته و توضیح داده : ۱- خواهان‌ها مدعی هستند که کل پلاک ۵۵ که مساحت آن بیش از ۵۵۰۰ هکتار است و اعم از اراضی مزروعی مرتعی و جنگلی می باشد ملی نبوده جزء وقف می باشد . ۲- به موجب آمار اداره اصلاحات ارضی میزان اراضی صاحب نسق اعم از آبی و خشکه و سطح آبیندان کمتر از میزان زمینی است که منابع طبیعی به موجب آن مستثنیات افراد قلمداد نموده است . ۳- لیست نام و اسامی کشاورز اینکه صاحب نسق بوده اند به تعداد ۱۲۹ نفر بوده است مقدار ۳۳۱۰۶ هکتار زمین آبی و مقدار ۱۸۹۸۵ هکتار زمین خشکه زاری آماده شده است ۴- آقای خادمی متولی موقوفه مدعی است قطعاتی در میان اراضی جنگلی وجود دارد که مزروعی حتی زراعت آبی دارند و مساحت آنها چندین هکتار می رسد محلی که مشارالیه معرفی نموده برابر نقشه هوایی در لکه سبز قرار داشته و معنی و مفهوم آن این است که در زمان پرواز هواپیما در سال ۱۳۴۵ زمان عکس برداری این زمین ها تماماً جنگل بوده و این امر محرز است ۵- به موجب آگهی های منتشره و رأی کمیسیون ماده ۵۶ از کل پلاک ۵۵ اصلی بخش ۳ ثبت ساری میزان ۵۱۰۳۱۵۸۵ مترمربع جزء منابع ملی و میزان ۴۷۰۱۹۷۲ جزء مستثنیات قریه اقمشهد محسوب گردیده . ۶- به موجب نقشه های هوایی ۶۶۶۲- IVSW و ۶۶۶۲- IVSE تهیه شده در سال ۱۳۴۵ توسط سازمان نقشه برداری غیر مشجر حریم روستای اقمشهد که بایستی به موجب بند ب ماده ۴ قانون ملی شدن جنگل‌ها مستثنی از ملی تلقی گردد این آمار وجود ندارد و یا ارائه نگردیده، چرا که باید به موجب قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰ این مراتب در سهم مالکین یا اشخاص قرار گیرد آقای کارشناس در پایان اظهار نموده « با توجه به موارد فوق و ملاحظه پرونده و شرح

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealea.ir)

مطالعه: انقضای آن قبل از این تاریخ

شماره دادنامه: ۱۴۰۰۲۳۹۰۰۰۱۸۲۰۵۹

تاریخ تنظیم: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

شماره پرونده: ۸۸۰۹۹۸۵۱۶۲۰۰۱۹۹

شماره پایگانی شعبه: ۰۰۰۰۹۵۹

شعبه اول دیوان عالی کشور

دادنامه



دیوان عالی کشور

اعتراضیه و لوابیح خواهانها و عنایت به نقشه هوایی و مدارک و مستندات طرفین و مشاهده رویش های گیاهی و آثار و علائم موجود به جز اراضی مستثنی شده در آگهی ماده ۵۶ که مساحت آن بیش از دو برابر مساحت در آمار اراضی مزروعی در اداره اصلاحات ارضی سابق (مدیریت جهاد کشاورزی ساری) است بقیه جزء اراضی ملی می باشد اداره اوقاف و متولی موقوفه به نظریه کارشناس اعتراض نموده و مدعی شده اند آقای کارشناس به مستندات آنها توجه نکرده و تمام همت خود را به نقشه هوایی سال ۱۳۲۵ منطوق داشته و به وقفنامه و قراردادهای اجاره گذشته توجه نکرده ... تقاضای ارجاع امر به هیأت کارشناسان کرده اند. دادگاه هیأت سه نفره کارشناسی انتخاب نموده هیأت مرقوم با بررسی موضوع نظریه خود را به شرح لایحه وارده شماره ۱/۴۷۶۷ مورخ ۸۴/۶/۱۷ به دادگاه تقدیم داشته اند و مشاهدات و معاینات انجام شده از محل وقوع ملک را چنین بیان کرده اند عرصه ها و اعیانهای مورد دعوی که مشتمل بر اراضی مزروعی اقم از آبی و خشکه زاری و محدوده روستا شامل خانه سرا و باغات مثمر می باشد برابر نقشه برداری اداره منابع طبیعی ساری که منجر به صدور یک فقره سند مالکیت گردید سطحی معادل ۴۷۰۱۹۷۲ هکتار را شامل می شود باقیمانده سطح موجود مورد دعوی حسب نقشه موجود در پرونده اداره منابع طبیعی به مساحت ۵۱۰۳۱۵۸۵ هکتار بوده که تحت پوشش درختان غیرمثمر جنگلی و نباتات مرتعی می باشد که به صورت اراضی جنگلی است و نوع خاک آن جزء خاک های جنگلی محسوب می گردد بدیهی است در اراضی جنگلی به طور پراکنده در برخی مناطق در گذشته داسدارانی در داخل عرصه وجود داشته که دارای گاوپند بوده و به طور کلی در یک فصل از آن جهت تعلیف دام استفاده می نمایند و محدوده ای از اراضی اطراف گاوسرا جهت استقرار دام و بعضاً قسمتی جهت کشت و زرع وجود دارد. در پایان نظریه خود را بدین شرح اعلام کرده اند « با توجه به موارد فوق و مطالعه محتویات پرونده جاری و استنادی و بازدید به عمل آمده و بررسی های انجام شده عرصه مورد دعوی مشتمل بر کل محدوده پلاک ثبتی ۵۵ اصلی بخش ۳ ساری واقع در اراضی روستای آقمشهد که در سطح کل ۵۵۷۲۳۳۵۵۷ هکتار می باشد سطحی سال ۴۷۰۱۹۷۲ هکتار جزء اراضی مستثنیات قانونی اشخاص بوده و باقیمانده به مساحت ۵۱۰۳۱۵۸۵ هکتار برابر اسناد ارائه شده منابع طبیعی به استناد نقشه هوایی در مقیاس ۱/۵۰۰۰۰ و ۱/۲۵۰۰۰ منطقه و آگهی منتشره و رای صادره جزء اراضی ملی شده محسوب می گردد اداره اوقاف ساری نسبت به نظریه هیأت کارشناسی اعتراض کرده و مدعی شده کارشناسان به دستور دادگاه توجه نکرده ملاحظه ای به وقفنامه و مذاقه در مندرجات آن به عمل نیامده و بررسی کارشناسان بدون توجه به وقفنامه صورت گرفته و اعلام داشته که با توجه به سابقه عمل به وقف و وقفنامه که با نظریه هیأت سه نفره کارشناسی مغایرت دارد تقاضای تعیین هیأت ۵ نفره کارشناسی کرده است. دادگاه به شرح صورت جلسه مورخ ۸۴/۹/۲۰ اعتراض اداره خواهان را موجه ندانسته و با اعلام ختم رسیدگی به شرح دادنامه شماره ۱۱۱۳-۸۴/۱۰/۸ مبادرت به صدور رای نموده با این استدلال که خواننده خواسته خواهانها را نپذیرفته و کارشناس بدوی و هیأت کارشناس نیز محل متنازع فیه را به مساحت ۵۱۰۳۱۵۸۵ هکتار جزء اراضی ملی دانسته و در تعدادی از مدارک استنادی خواهان اشاره به مراتع و جنگل موقوفه آقمشهد شده است و با توجه به مصوبه سال ۱۳۴۱ که کلیه جنگلها و مراتع کشور ملی اعلام شده و رای وحدت رویه شماره ۶۸۱-۸۶/۷/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور دعوی



دیوان عالی کشور

۴

«طلا لهرزا قهوی ان ننداروا»

شعبه اول دیوان عالی کشور

دادنامه

شماره دادنامه: ۱۳۰۰۲۳۹۰۰۰۰۱۳۲۰۵۹

تاریخ تنظیم: ۱۳۰۰/۰۳/۱۷

شماره پرونده: ۸۸-۹۹۸۱۵۱۴۰-۱۹۹

شماره پایگزی شعبه: ۰۰۰۰۹۵۹

دادنامه مرقوم تجدید نظر خواهی کرده و پرونده در شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان مازندران مطرح شده در لایحه پیوست دادخواست تجدید نظر توضیح داده شده ۱- کارشناس به مدارک استنادی توجه نکرده و آن را با محل تطبیق نداده اند ۲- به وقفنامه استنادی که مربوط به سال ۱۳۲۶ می باشد و مقدم بر مدارک استنادی خواندگان می باشد توجه نشده است. شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان مازندران وضعیت ثبتی پلاک مورد دعوی ( ۵۵ اصلی بخش ۳ ساری ) و از اداره ثبت اسناد ساری استعلام کرد پاسخ واصله که بشماره وارده ۹۹۰/۸۵- ۸۵/۱۲/۱۴ ثبت دفتر دادگاه شده حکایت دارد پلاک مرقوم عبارت از دو محل کلیخ خیل و کمرخیل از طرف وزارت معارف و اوقاف قبول در خواست ثبت شده در تاریخ ۴۱/۴/۱۲ تجدید حدود آن به عمل آمده و نسبت به آن خواهی شده و در سال ۱۳۵۰ مشمول قانون اصلاحات ارضی گردیده و پلاک مرقوم از طرف متولیان به وزارت تعاون و امور روستاها منتقل شده و سپس برابر تبصره ماده یک قانون ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه ... اسناد تنظیمی باطل و به موقوفه قریه آقمشهد تبدیل و تثبیت شده اداره کل منابع طبیعی منطقه ساری طی شماره ۱۱۵۴- ۵۰/۲/۳۴ بموجب آگهی شماره ۴۶۱۸۴- ۴۹/۱۲/۲۴ قریه آقمشهد را ملی اعلام کرده لازم به ذکر است قریه مذکور دارای صورت مجلس تجدید حدود بوده و لیکن نقشه تحدیدی ترسیم نشده است و به علت عدم ثبت و صدور سند مالکیت حدود و ثغور قریه نامشخص می باشد دادگاه مرقوم در تاریخ ۸۶/۳/۱۹ به شرح دادنامه شماره ۳۲۳ رسیدگی به موضوع را با توجه به بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری قرار گرفته است. شعبه ۹ دیوان عدالت اداری نیز با بررسی پرونده به شرح دادنامه شماره ۵۴۴- ۸۶/۴/۲۵ خود را صالح به رسیدگی ندانسته و قرار عدم صلاحیت خود به اعتبار دادگاه تجدید نظر استان مازندران صادر و اعلام کرده و چون اختلاف حادث شده پرونده را در اجرای ماده قانون دیوان عدالت اداری به دیوان عالی کشور ارسال داشته و به این شعبه ارجاع شده و این شعبه بشرح دادنامه شماره ۳۷۷/۲۶- ۸۶/۹/۱۸ با اعلام صلاحیت دادگاه تجدید نظر استان مازندران حل اختلاف نموده و پرونده مجدداً به شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان مازندران ارجاع شده سپس دادگاه مرقوم با بررسی ختم رسیدگی را اعلام و به شرح دادنامه شماره ۶۴۰۰۰۲۵/۱۱- ۸۷/۱/۱۵ مبادرت به صدور رای نموده با توجه به مدارک موجود و وقفنامه ابرازی و نظریه کارشناس و هیات کارشناس دعوی خواهانها بر موقوفه بودن پلاک ۵۵ اصلی بخش ۳ ساری قریه آقمشهد تا میزان ۴۷۰۱۹۷ هکتار حسب نظریه کارشناسان مشتمل بر اراضی مزروعی اعم از آبی و خشکه زار و محدوده روستا شامل خانه سرا و باغات مشهد اعلام شده وارد دانسته و به استناد ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی رای مورخ ۸۲/۶/۱۱ قانونی هیات موضوع ماده واحده ( متوفی عنه ) و رای تجدید نظر خواسته که مشعر بر اعتراض خواهانها می باشد را نقض و حکم بر غیرملی و موقوفه بودن به مقدار ۴۷۰۱۹۷۲ هکتار از اراضی پلاک مرقوم صادر و اعلام می دارد و نسبت به آن قسمت از رای که به میزان ۵۱۰۳۱۵۸۵ هکتار که ملی اعلام شده اعتراض را موجه ندانسته با رد اعتراض به عمل آمده رای تجدید نظر خواسته را در این قسمت تأیید نموده است. اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان ساری از دادنامه مرقوم فرجام خواهی کرده و پرونده امر به دیوان عالی کشور ارسال شده و در دستور کار این شعبه قرار گرفته در پرونده امر سابقه از ارسال رونوشت دادخواست فرجامخواه به فرجامخوانده و پاسخ وی ملاحظه شد) فرجام خواه در لایحه پیوست دادخواست توضیحی داده با توجه به وقفنامه مورخ سال ۸۶۰ هجری قمری و اجاره نامه های

تصویر برابر با اصل است



متعدد و شیاع مفید علم و در تصرف وقف بودن ششدانگ اراضی روستای موقوفه اعم از مزارع و مراتع و غیره وقف عام می باشد و روستای مرقوم به عنوان موقوفه ثبت گردیده و تحدید حدود شده و در سالهای متعددی به اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله راه آهن شمال به اجاره داده شده و بعضاً به تأیید اداره جنگلبانی وقت رسیده است و طبق ماده ۱ آئین نامه قانون ابطال اسناد و فروش آب و اراضی موقوفه اراضی واقع در حریم روستای موقوفه نیز چنانچه در اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و به عنوان منابع ملی اعلام شده باشد وقف می باشد و طبق فتوای حضرت امام خمینی زمین های موقوف باید به حالت وقفیت باقی و عمل به وقف شود . و فتوای مقام معظم رهبری هم دلالت بر این دارد که آن قسمت از موقوفه که منابع ملی اعلام شده وقف است زیرا فتوای ایشان بر عدم صحت وقف جنگلها و اراضی موات اصلی واقع در کنار رقبات موقوفه هر مقداری که عرف حریم مورد نیاز در استفاده از رقبه موقوفه محسوب می باشد تابع رقبه موقوفه در احکام و آثار شرعی وقف است و کسی حق جداکردن حریم یا تملک یا نقل و انتقال آن را ندارد . طبق ماده ۱۰ آیین نامه قانون ابطال اسناد و فروش آب و اراضی موقوفاتی که در اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها ملی اعلام شده باید به وقفیت برگشت نموده و اسناد مربوطه باطل گردد اداره منابع طبیعی به ادعای اینکه مراتع و جنگلها ملی می باشد از دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال این ماده را نموده، ولی دیوان عدالت اداری طبق دادنامه شماره ۷۴ و ۲۵ - ۶۵/۹/۳ صادره از هیأت عمومی دیوان به جهت اینکه طبق نظر شورای نگهبان تبصره مرقوم اشکال شرعی ندارد ماده مذکور را خلاف قانون ندانسته و آن را تأیید کرده است. از طرف دیگر موقوفه آقمشهد از زمان اجرای صیغه وقف که با توجه به مقررات شرعی و اسلامی صورت گرفته و مالکیت خصوصی نسبت به مرتع و جنگل امری مسلم بوده و حتی طبق قانون ملی شدن جنگلها و مالکیت خصوصی جنگل و مرتع مورد قبول بوده به نحوی که از مالکین خواسته شده مدارک خود را ارائه دهند تا حقیقی به آنان پرداخته گردد، بنا بر این زیر سوال بودن موقوفه به استناد قانونی که بعد از آن تصویب شده وجاهت شرعی و قانونی ندارد . استناد قاضی رای هیأت تعیین تکلیف اراضی اختلافی به تبصره ۶ قانون الحاقی در تبصره به ماده واحده قانون ابطال سال ۶۲ صحیح نیست چون اولاً تبصره مرقوم مربوط به موقوفات خاص است و ارتباطی به وقف عام ندارد و بر فرض مشمول موقوفات عام گردد طبق حکم صدر تبصره مزبور املاک واقع در حریم موقوفات و املاکی که قبل از تاریخ ۱۶/۱۲/۶۵ احیاء شده اند مشمول آن نمی گردند و اراضی مورد بحث در حریم روستای موقوفه واقع بوده و قبل از تاریخ ۱۶/۱۲/۶۵ احیاء شده اند جزء منابع ملی نبوده و وقف می باشند. دادگاه تجدید نظر ضمن استثنای چند هکتار رای بدوی را تأیید کرده است تقاضای رسیدگی و نقض دادنامه فرجامخواسته را کرده است. پس از بررسی پرونده معلوم گردیده نسخه ثانی دادخواست فرجامی و ضمائم فرجامخوانده ابلاغ نشده و پرونده بدون تبادل لوایح به دیوان عالی کشور ارسال گردیده لذا به شرح دادنامه شماره ۲۸۱/۳۶ مورخ ۱۴/۷/۸۷ پرونده را به شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان مازندران اعاده نموده تا وفق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی اقدام و پس از تکمیل اعاده گردد. دفتر شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان مازندران با ضمیمه نمودن اخطاریه ابلاغ شده به اداره منابع طبیعی ساری که حکایت دارد دادخواست فرجامی و ضمائم در تاریخ ۱۷/۴/۸۷ به فرجامخوانده ( اداره منابع





اجراء نشده، لذا اعتراض فرجام خواه از این جهت موجه است و باید محاکم با توجه به مبنای صدور قرار به نظریات کارشناسان و لو به آن اعتراض نشده بود به لحاظ عدم انطباق با مفاد قرارداد و کشف حقیقت ترتیب اثر نمی دادند. علیهذا نظر به جهات یاد شده رسیدگی محاکم ناقص تلقی و دادنامه شماره ۱۱-۶۴۰۰۰۲۵-۸۷/۱/۱۵ صادره از شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان مازندران در بخش (ثانیاً)، برگ دوم که منتهی به تأیید دادنامه بدوی شده است به علت نقص رسیدگی و تحقیقات مستنداً به بند ۵ ماده ۳۷۱ و بند الف ماده ۴۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده رأی به لحاظ بند الف ماده ۴۰۵ قانون مرقوم اعاده می شود تا پس از تکمیل با لحاظ نتیجه حاصله و موازین شرعی و قوانین موضوعه راجع به اوقاف مبادرت به صدور رأی شود. رأی صادره و پرونده را اعاده دادگاه شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان مازندران وقت رسیدگی تعیین و طرفین و هیات کارشناسی را برای اخذ توضیحی دعوت و پس از استماع اظهارات آنان در مورد رفع نقایص مورد نظر دیوان عالی کشور با توجه به حجم کار قرار تکمیل کارشناسی صادر و هیات منتخب پس از مراجعه به سازمانها و دوائر ذربط و بررسی سوابق و نقشهها و وقفنامه احراز حدود موقوفه و معاینه محلی و تطبیق محدوده موقوفه بانچه که فعلاً موجود است و ملاحظه حریمها بالاخره با تنظیم و ترسیم کروکی به شرح نظریه وارده مورخ ۹۰/۷/۱۵ در پنج برگ با کروکی (برگهای ۴۰۵-۴۰۱) گزارش کرده اند (اینجانان هیات منتخب کارشناسان با مراجعه به ادارات ذربط ثبت اسناد و املاک - اداره اوقاف - اداره کل منابع طبیعی و مستندات طرفین دعوی خصوصاً سند موقوفه ارائه شده از سوی تولیت موقوفه و نیز لحاظ قرار دادن محدوده وقف نامه که بصراحت در وقف نامه قید گردیده شامل شش دانگ قریه آقمشهد که عبارت از دو محل کلیچ خیل و کمرخیل پلاک شماره ۵۵ واقع در بخش ۳ ثبت ساری مشتمل بر اراضی خشکه زاری و آبی و مراتع گاوی و مراتع گوسفندی متعدد و یک چشمه معروف به دوزن چشمه و آبندان به استثنای اعیانی و یکصد و چهل و پنج خانه های رعیتی و دو حمام که اعیانی آن متعلق به رعایا و دارای دو تیکه و یک لمام زاید و نیز بر اساس تحدید حدود اداره ثبت اسناد و املاک از یک طرف و از طرفی با ارائه اسامی مراتع گاوداری و مراتع گوسفندی به تعداد ۲۳ نفر از دامداران که در محدوده وقف نامه قرار گرفته اند و در سال ۱۳۴۳ آماده بهره برداری گردیده اند به شرح .. لذا با عنایت به شرح مذکور تحدید حدود ثبتی که در سال ۱۳۴۱ به عمل و با استفاده از نقشه هوایی در مقیاس ۵۰۰۰۰ و موقعیت مراتع تعریف شده در مراتع مشجر و با پیاده کردن نقشه مذکور و جانمایی آن در نتیجه ضمن کروکی موجود ملک تعرفه شده در وقف نامه که پیوست می باشد کل مساحت وقف نامه اعم از جنگل - مرتع - اراضی مزروعی - آبندان و خانه های روستایی که مستثنی می باشد مساحت پلاک ۵۵ از بخش ۳ اصلی به مساحت ۵۵۷۲/۳۵ هکتار می باشد که مساحت جنگل های موجود که مشمول وقف نامه می گردد سطحی معادل ۵۱۰۳/۱۵ هکتار می باشد که درختان جنگلی غالب منطقه عبارتند از .. که در بهره برداری علاوه بر آن درختچه های جنگلی نظیر ... و نباتات مرتعی مشمول وقف نامه مذکور می گردد برابر محتویات پرونده قسمتی از محدوده اوقاف در طرح جنگلداری راه آهن قرار گرفته که نسبت به پرداخت سهمیه اوقاف در سالهای بهره برداری قراردادهای پیمانکاری به موقع پرداخت گردیده نظریه هیات کارشناسان با توجه به موارد ذکر شده و محتویات پرونده و معاینه از عرصه و اعیان محدوده وقفی واقع در روستای آقمشهدی با عنایت به میله گذاری اداره ثبت

«فَلَا تَبْهَمُوا آيَاتِي أَنْ تَنْبَلُوهَا»

شماره دادنامه: ۱۲۰۰۶۲۹۰۰۰۱۸۲۰۵۹

تاریخ تنظیم: ۱۲۰۰/۰۳/۱۷

شماره پرونده: ۸۸۰۹۹۸۱۵۱۲۲۰۰۱۹۹

شماره بازگشتی شعبه: ۰۰۰۰۵۵۹

شعبه اول دیوان عالی کشور

دادنامه



دیوان عالی کشور

اسناد در تاریخ ۱۳۴۱/۳/۱۲ شش‌دانگ موقوفه صورت گرفته است. توضیح اینکه این میله گذاری در وقف نامه براساس فتوای علمای اعلام که در محتویات پرونده موجود می‌باشد استوار بوده لذا مساحت جنگل‌های مذکور بمساحت ۵۱۰۳/۱۵ هکتار در زمان بهره برداری و هرگونه نقل و انتقال سهم اوقاف می‌بایستی پرداخت گردد در کروکی پیوست محدوده شش‌دانگ موقوفه و اراضی مزروعی و خانه های رعیتی با مجاورین مشخص گردیده است « نظریه کارشناسان در تاریخ ۹۰/۸/۸ به اداره اوقاف ( برگ ۴۰۹) و در تاریخ ۹۰/۸/۲۹ به اداره منابع طبیعی شهرستان ساری در برگ‌های ۴۲۳ و ۴۲۰ پرونده ابلاغ گردیده است. فرجام‌خواه (اداره منابع طبیعی) طی لایحه ای وارده شماره ۶۴۰۰۳۹۱/۱۱ - ۹۰/۱۰/۱۰ خارج از موعد قانونی به آن اعتراض کرده است و حاصل اعتراض وی این است که طبق ماده ۵۷ قانون مدنی واقف باید مالک مالی باشد که آن را وقف کند آیا وقف مالک عرصه بوده است و به موجب ماده یک قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۰ کلیه بیشه‌زارها و اراضی جنگلی متعلق به دولت بوده و لو اینکه افراد قبل از تصویب این قانون آن‌را به عناوین مختلف متصرف بوده و حتی به نام آن‌ها سند مالکیت صادر شده باشد و عدم صدور سند برای اراضی ملی توسط اداره ثبت زمینه سوء استفاده اشخاص را فراهم کرده است. وقفنامه مستند اداره اوقاف و جهات قانونی ندارد لذا چون نظر نظریه کارشناس با اوضاع و احوال منطبق مطابق ندارد قابل ترتیب اثر نیست. سپس دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و طی دادنامه شماره ۷۱۵۱۶۴۰۱۳۰۲۹ مورخ ۹۰/۱۲/۱۶ پس از نقل خلاصه کوتاهی از سابقه و جریان رسیدگی به دعوی شرح بین الهالین «... با توجه به محتویات پرونده و وقفنامه ابرازی و نظریه هیأت کارشناسان پنج نفره (سه نفره است) که مقدار ۵۱۰۳/۱۵ هکتار از پلاک ۵۵ اصلی بخش ۳ ثبت ساری را براساس کروکی ترسیمی مشمول وقف نامه ابرازی داشته اند و اعتراض موجهی هم نسبت به آن به عمل نیامده است. علیهذا دادگاه با پذیرش اعتراض مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی رأی بدوی را نقض و با احراز وقفیت مقدار ۵۱۰۳/۱۵ هکتار از اراضی پلاک ۵۵ اصلی بخش ۳ ثبت ساری قریه آقمشهد حکم بر ابطال نظریه و رأی مورخ ۸۲/۶/۱۱ قاضی (هیأت) حل اختلاف موضوع پرونده کلاسه ۱۱/۳۴۳/۸۸ صادر و اعلام می‌دارد «.. مبادرت به صدور رأی کرده است. پس از ابلاغ اداره منابع طبیعی شهرستان ساری از دادنامه صادره فرجام‌خواهی نموده است خلاصه اعتراضات فرجامی وی این است که طبق ماده یک قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی متعلق به دولت است، اگرچه افراد قبل از آن سند مالکیت گرفته باشند و طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۸۱ - ۸۴/۷/۲۶ صرف تشخیص منابع طبیعی موجب مالکیت دولت است و لزومی به صدور سند مالکیت نیست و هر زمان این اداره می‌تواند منابع فوق را ملی تشخیص و اعلام کند تقدم وقفیت نافی آن نیست و اراضی مورد نزاع قبل از وقف و بعد از آن جزء منابع طبیعی بوده است و با ملی کردن آن اسناد مالکیت وقف باطل است از این گذشته با عنایت به دستورالعمل اجرایی توافقنامه شماره ۹۰/۳/۱ - ۱/۱۱۲۸۷ - ۹۰/۳/۱ بین طرفین اگر اختلافی در خصوص اراضی ملی وموات بین دوسازمان موجود باشد موضوع جهت رفع ابهامات وحل مشکل در کارگروه مشترک اوقاف و منابع طبیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و البته عرصه و اراضی جنگلی از آن منابع است و هیأت کارشناسان بدون حضور نماینده این اداره و کسب اطلاع اظهار نظر کرده و هیأت ۵ نفره هم نبوده است. تبصره ۶ ماده واحده قانونی ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه حاکی است که اراضی و املاک و جنگلها و مراتع موقوفه تلقی نمی‌شوند

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanecoe.ir)



«بَلَا تُبَدِّلُوا آيَاتِي أَنْ تَقْبَلُوا»

شماره دادنامه: ۱۲۰۰۶۳۹۰۰۰۰۱۸۲-۵۹

تاریخ تنظیم: ۱۳۰۰/۰۳/۱۷

شماره پرونده: ۸۸۰۹۹۸۱۵۱۶۲۰۰۱۹۹

شماره بایگانی شعبه: ۰۰۰۰۹۵۹

شعبه اول دیوان عالی کشور

## دادنامه



دیوان عالی کشور

و اراضی جنگلی فعلی هم مشمول آن می باشد و وقف نیست و از نظر فقهی هم جزو ائفال است. طبق فتاوی فقهی نمی تواند وقف باشد. اصل ۴۵ و ماده ۵۷ قانون مدنی حاکی از عدم وقفیت اراضی مورد نزاع است و مستثنیات هم مشخص شده است، لذا درخواست نقض دادنامه فرجام خواسته را دارد. فرجام خواننده در پاسخ اظهار داشته که نظریات کارشناسان یک نفره و سه نفره قبلی فاقد ارزش بوده است و نظریه اخیر را که پس از بررسی و مطالعه مجدد صادر و پس از نقض دیوان عالی کشور بوده است و آن را پنج نفره تلقی گردیده است معتبر دانسته است و نتیجه درخواست ابرام دادنامه فرجام خواسته را کرده است. پرونده پس از تبادل لوابح برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال و با توجه به انحلال شعبه ۳۶ سابق دیوان رسیدگی بعدی به شعبه سوم ارجاع گردیده است.

هیأت شعبه پس از قرائت گزارش عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده مشاوره نموده و چنین رأی می دهد:

از متن وقفنامه مستند دعوی به تاریخ شهر رمضان المبارک سال ۱۲۱۸ هجری و نیز در سایر اسناد و مستندات پیوست دادخواست از جمله اسناد قدیمی مورخ ربیع الاول ۱۲۷۵ هجری (برگ ۶۵) و سند مورخ ۱۲۹۷ هجری (برگ ۶۷) و سند مورخ شهر جمادی الثانی ۱۲۹۷ هجری (برگ ۷۳) مستفاد می شود که شش دانگ قریه آقمشهد پلاک ۵۵ اصلی بخش ۳ ساری با هویت خاص قدیمی خودداری حدود و ابعاد وسیع و محلات و روستاها و متعلقات و توابع و حریمهاست که به طور متفرق یا پیوسته در قلمرو مشخص سابق مستقر بوده و نظریه نهایی هیأت کارشناسان که مبتنی بر مطالعه و ملاحظه تمام نقشه ها و سوابق موجود در مراجع قانونی ذیربط موردنظر دیوان عالی کشور و معاینه محلی و تجدید حدود عرفی و قدیمی موقوفه بوده مثبت این معنی است وجود گاوبندها و گاو سراها و دامپروریها در بطن اراضی جنگلی و سیاهه اسامی دامداران وابسته به موقوفه که تمام اراضی و مراتع قلمرو محدوده و حریم امرار معاش و زندگی آنان و روستائیان و حسب مدارک پیوست طی سالها در این مناطق به وقف عمل و توسط مراجع اداری و قانونی کشور قبل از اجرای مقررات اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگلها و مراتع مورد تأیید قرار گرفته و حتی دوایر دولتی و اشخاص دیگر دهها سال قبل بابت استفاده از اراضی حقوق مقرر را به موقوفه پرداخت کرده اند. بنابراین اراضی مورد نزاع فعلی تحت هر عنوان که باشد در قلمرو و محدوده و حریم موقوفه قریه آقمشهد پلاک ثبتی ۵۵ بخش ۳ قرار داشته و در این خصوص عمل به وقف می شده و موضوع دعوی حاضر بالکل اصالتاً وقف و در محدوده و حریم وقف و مشمول ذیل تبصره شش الحاقی به قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ است. علیهذا بر استنباط و استنتاج دادگاه تجدیدنظر از قضیه مطروحه ایراد و اشکالی نیست و مطابق محتویات پرونده و قوانین موضوعه و موازین شرعیه است و اعتراضات فرجامی غیر موجهند ضمن رد آن دادنامه فرجام خواسته مستنداً به مراتب یاد شده و ماده ۳۷۰ قانون آئین دادرسی مدنی نتیجه ابرام می شود. متعاقباً توسط رئیس کل دادگستری استان مازندران از رأی مذکور تقاضای اعمال تبصره ۳ ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری گردید که پس از اظهارنظر معاونت قضایی هیأت مشاوران آن معاونت مراتب خلاف شرع بین رأی مورد تأیید رئیس قوه قضائیه قرار گرفته و جهت صدور رأی به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع گردیده است.

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanecoe.ir)



دیوان عالی کشور

«طالاً تلمیماً آگاهی از نفعها»

شعبه اول دیوان عالی کشور

دادنامه

شماره دادنامه: ۱۳۸۲/۱۱/۲۴-۲۴۷۷۴

تاریخ تنظیم: ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

شماره پرونده: ۸۸۰۹۸۳۵۱۶۳۰۱۹۹

شماره پایگانی شعبه: ۹۵۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

هیأت شعبه با ملاحظه گزارش عضو ممیز و اوراق پرونده به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

«رای»

قطع نظر از اینکه مطابق دادنامه شماره ۲۴/۷۷۴-۱۳۸۲/۱۱/۲۴ شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور راجع به دعوی وقفیت به صورت دعوی مطالبه بهره مالکانه موقوفه و تحویل مراتع موقوفه و پرداخت عواید موقوفه در مقام ابرام رأی شماره ۲۱-۱۳۸۲/۱۱/۲۵ شعبه ۶ رأی دادگاه تجدید نظر استان مازندران قبلاً رسیدگی گردیده است و راجع به دعوی وقفیت واجد اعتبار امر محکوم بها گردید و تجدید مطلع آن توسط مراجع قضایی فاقد وجهت بوده است. نظر به اینکه اولاً: خواسته خواهان نقض رأی مورخ ۸۲/۶/۱۱ (موضوع پرونده کلاسه ۲۳۳/۸۱) هیأت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ بوده که مطابق دادنامه شماره ۱۱۱۳ - ۸۲/۱۰/۸ شعبه اول دادگاه حقوقی ساری که بر اساس نظریه هیأت کارشناسی و به استناد مصوبه سال ۱۳۴۱ قانون حفاظت از جنگلها که کلیه جنگلها و مراتع کشور را ملی اعلام کرده) و رأی وحدت رویه شماره ۶۸۱ - ۸۶/۷/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، دعوی خواهان را در این خصوص غیر وارد تشخیص و حکم به ملی بودن مساحت پنج هزار و یکصد و سه هکتار و هزار و پانصد و هشتاد و پنج متر مربع (۵۱۰۳/۱۵۸۵ هکتار) صادر کرده است. پس از تجدیدنظر خواهی، مطابق دادنامه ۰۰۰۲۵ بخشی از آن غیر ملی تشخیص و رأی را نقض و راجع به بخش دیگر حکم به ملی بودن اراضی صادر نموده که در دادنامه مربوطه منعکس است. رأی تجدیدنظر خواسته را تأیید کرده است. مع الوصف با توجه به اینکه آراء قابل فرجام دادگاههای تجدیدنظر استان در ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی احصاء شده است و دعوی اعتراض به رأی هیأت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها به عنوان دعوی غیر مالی جزء دعاوی قابل فرجام تصریح نشده است. اصولاً ورود شعبه دیوان عالی کشور اقم از شعبه ۳۴ به عنوان شعبه ای که ابتدا ورود به رسیدگی کرده و متعاقباً شعبه سوم به عنوان شعبه ای که رأی موضوع اعاده دادرسی را صادر کرده است خارج از صلاحیت تشخیص می گردد.

ثانیاً: شرط اساسی استماع دعوی وقفیت بدو مالکیت بلاسنازع واقف می باشد. با توجه به بند پیش گفته که رأی شعبه تجدیدنظر راجع به تشخیص منابع ملی قطعیت یافته و غیر قابل فرجام بوده است و حتی موضوع اعتبار امر مختومه را داشته، مع الوصف استماع دعوی اثبات وقفیت با وصف مرقوم، فاقد وجهت قانونی بوده است.

ثالثاً: با عنایت به قانون ملی شدن جنگلها مصوب ۱۳۴۷/۱۰/۲۷، مراتع، بیشه های طبیعی و اراضی جنگلی متعلق به دولت تعلق گرفته ولو اینکه افراد از این تاریخ آن را متصرف و سند مالکیت گرفته باشند و با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۶۸۱ مورخ ۸۲/۷/۲۶ مبنی بر اینکه به صرف تشخیص منابع طبیعی به عنوان منابع ملی، عرصه تحت مالکیت دولت قرار می گیرد حتی عدم صدور سند مالکیت نافی مالکیت دولت بر عرصه نمی باشد. زمانی که سازمان جنگلها به ملی یا غیر ملی بودن زمین اعلام نظر نماید و حتی تقدم وقفیت نافی اعلام منابع ملی توسط جنگلدار بر حسب قانون نمی باشد و عرصه ای که منابع ملی اعلام می گردد به طریق اولی در سالیان قبل و در زمان وقف نیز جزء منابع ملی بوده است که عرصه موصوف به موجب آگهی تشخیص منابع ملی به شماره ۲۸۵۸۸ مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۷ ملی اعلام و به دلیل عدم اعتراض از ناحیه اشخاص به آگهی های منتشره در روزنامه های محلی و کثیرالانتشار به مالکیت قطعی دولت درآمده و اداره منابع طبیعی در راستای ایفای وظایف قانونی و تثبیت مالکیت دولت به استناد ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگلها و ماده ۳۹ قانون حفاظت از جنگلها پس از جری تشریفات قانونی، مبادرت به اخذ سند مالکیت شماره ۶۶۷۲۵۱ - ۸۲/۸/۲۴ عرصه مورد ادعا نموده است و با توجه به آگهی تشخیص فوق در رقبه آقمشهد میزان مستثنیات ۴۷۰/۱۹۷۲ هکتار و منابع ملی ۵۰۹۶/۹۷ هکتار اعلام گردیده که میزان مستثنیات اقم از اراضی وقفی و غیر وقفی می باشد. از این رو با ملی اعلام شدن، کلیه اسناد و مدارک مربوط به مالکیت صادره، باطل می گردد و استناد به اینگونه اسناد غیر قانونی است.

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanعالی.ir)



دیوان عالی کشور

«طَلَا تَبَيُّرًا أَلْهَىٰ لَنْ تُبْلَوْا»

شعبه اول دیوان عالی کشور

دادنامه

شماره دادنامه: ۱۲۰۰۲۳۹۰۰۰۰۱۸۲-۵۹  
تاریخ تنظیم: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷  
شماره پرونده: ۸۸۰۹۹۸۱۵۱۴۲۰۰۲۹۹  
شماره بایگانی شعبه: ۹۵۹-۰۰۰۰

رایعاً: بموجب تبصره الحاقی مصوب ۱۳۸۰ به ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات و آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۲/۱/۲۸ آن دسته از اراضی و املاک و جنگلها و مراتع و اراضی ملی که مشمول ماده یک قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۲۶/۵/۲۵ و اصلاحات بعدی آن و قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی مصوب ۷۱/۷/۵ قرار گیرد مشمول ماده واحده مذکور (قانون ابطال اسناد فروش ...) نمی باشد و موقوفه تلقی نمی گردد مگر اینکه در مورد حریم موقوفات و یا اراضی که قبل از ۱۳۶۵/۱۲/۱۶ احیاء شده باشد که این تبصره ناسخ ماده واحده قانون ابطال مصوب سال ۱۳۶۲ و ماده ۱۰ آیین نامه مصوب سال ۷۸ می باشد و به نوعی جایگزین آنها شده واصل بر عدم شمول نسبت به اراضی و املاک واقع در منابع ملی (مشمول ماده ۱ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها) دانسته است و تخصصاً از موقوفه خارج می باشد و حریم نیز محسوب نمی گردد زیرا حسب مفاد ماده ۱۳۶ قانون مدنی حریم مقداری از اراضی است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد و به نظر می رسد در مانحن فیه هیچ ضرورت عرفی یا عقلی مبنی بر اینکه هزاران هکتار جنگل و مرتع ملی شده اطراف روستای آقمشهد حریم روستای موقوفه مزبور باشد، وجود ندارد.

خامساً: وجود دامداران و تأسیسات دامداری آنان در اراضی و مراتع ملی و جنگل قریه آقمشهد و ادعای آنان مبنی بر چرای دام در این اراضی و مراتع و یا تصرفات آنان و انواع بهره برداری مشارالیه نیز احیاء تلقی نمی شود چون تصرفات و بهره برداری آنان به موجب پروانه چرای دام صادره از سوی منابع طبیعی (خواننده) می باشد و از طوفی این تصرفات موجد حقی برای آنان نسبت به عرصه نمی گردد و از اسباب تملک تلقی نمی شود و اصولاً حق تعریف (اذن در انتفاع) است که موضوعاً تطابقی با احیاء اراضی ندارد و ادامه یا سلب این حق یا اخراج متصرفان نیز حسب مقررات مربوطه با مالک می باشد که در مانحن فیه ارتباطی به اشخاص غیر از مالک (سازمان جنگلها و مراتع) ندارد.

سادساً: به استناد فتاوی فقها و مراجع عظام و با توجه به قاعده فقهی (لاوقف الا فی ملک) و عدم قابلیت تملک و صدور اسناد مالکیت خصوصی جنگلها و مراتع و بییشه های طبیعی، به طریق اولی وقفیت نیز نسبت به آن امکان نداشته و قابل وقف نیست. فتاوی رهبر معظم انقلاب اسلامی در مانحن فیه که مورد استناد می باشد مفاداً و با توجه به استفتائاتی که در سال ۱۳۹۱ از معظم له شده است نیز صراحتاً دلالت بر این امر دارد که «اراضی جنگلی و مرتع طبیعی که فاقد هرگونه سابقه عمران و آبادی از سوی شخص یا اشخاص باشد شرعاً جزء اراضی بلا مالک و جزء اموال عمومی و متعلق به بیت المال محسوب است و اسناد وقفیت یا مالکیت خصوصی نسبت به اینگونه اراضی فاقد اعتبار شرعی است و رسیدگی موضوعی در این باره با مقامات قانونی ذیربط و مراجع قضایی است». اصولاً وقف جنگلها و مراتع طبیعی و انفال صحیح نیست که نمونه دیگری از فتاوی فقهی مبنی بر عدم وقفیت جنگلها و مراتع که در پاسخ به استفتاء اداره کل منابع طبیعی استان فارس از مقام معظم رهبری است که فرموده اند: «در جهت وقف، سابقه مالکیت خصوصی شرعی واقف شرط است و جنگلها و مراتع طبیعی که از انفال و اموال عمومی محسوب است، ملک خاص کسی نیست و قابل وقف نمی باشد.» بنا به مراتب اشعاری مستنداً به ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری و صائب دانستن درخواست رئیس کل دادگستری استان مازندران و گروه مشاوران حوزه معاونت قضایی که به موافقت ریاست محترم قوه قضائیه رسیده و اعاده دادرسی تجویز شده است ضمن نقض دادنامه شماره ۰۰۸۲ - ۱۳۹۲/۲/۸ شعبه سوم دیوان عالی کشور و نیز دادنامه شماره ۰۰۲۵/۱۱ - ۸۷/۱/۱۵ شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران، رأی شماره ۱۱۱۳ - ۱۳۸۴/۱۰/۸ شعبه اول دادگاه حقوقی ساری استوار می گردد.

شعبه اول دیوان عالی کشور

رئیس: سیداحمد مرتضوی مقدم      مستشار: عنايت حياتي      مستشار: غلامعلي صدقي

امضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بلع شرقی پاری شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



جمهوری اسلامی ایران

### فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْبُلُوا

تاریخ : ..... ۱۳۸  
شماره : .....  
پوست : .....

### دادنامه

دادگاه : .....

کلاس پرونده : ۱۳۲۵ / ۸۲ / ۱ دادنامه : ۱۱۱۳ - ۸ / ۱۰ / ۸۴

خواهان : اداره اوقاف شهرستان ساری ۲- حسینی خادمی ف رستم ساری بلوار خزر ک مظاهر چهار راه دوم پ ۲۸  
خوانده : اداره منابع طبیعی ساری  
خواسته : نقض رای کمیسیون

### (( رای دادگاه ))

در خصوص دعوی ۱- اداره اوقاف شهرستان ساری، ۲- حسینی خادمی فرزند رستم (بعنوان متولی) مبنی بر نقض رای مورخه ۸۲/۷/۱۱ قاضی کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها که طی آن در جهت اعتراض نامبردگان به آگهی تشخیص منابع ملی به شماره ۸۸۸۸/۵/۱۷، رای به ملی بودن حدود ۴۵۵۷ هکتار از اراضی مربوط به پلاک ۵۵ اصلی بخش ۳ ثبت ساری واقع در قریه آقمشهد ساری صادر گردیده است دادگاه نظر به عدم پذیرش خواسته خواهانها از ناحیه نماینده اداره خواننده و با توجه به اینکه کارشناس بدوی و هیات سه نفره کارشناسان منتخب دادگاه با پیاده نمودن نقشه ۲۱۵۰۰۰ و بالاتفاق محل متنازع فیه مندرج در آگهی شماره فوق الذکر را به میزان ۵۱۰۳/۱۵۸۵ هکتار جزء منابع ملی دانسته اند و حتی در تعدادی از تصاویر و مدارک و مستندات تقدیمی از ناحیه خواهان ردیف اول اشارتی به مراتع و جنگل موقوفه آقمشهد شده است و با عنایت به تصویب نامه قانون ملی شدن جنگلها مصوب ۱۳۴۱ عرصه واعیانی کلیه جنگلها و مراتع و بیشه های طبیعی و اراضی جنگلی کشور جزء اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت است و لو اینکه قبل از این تاریخ افراد آنرا متصرف شده و سند مالکیت گرفته باشند و صدور رای وحدت رویه اخیر التصویب به شماره ۶۸۱ - ۸۴/۷/۲۶ هیات عمومی دیوانعالی کشور بر این امر تاکید نموده اگر چه موضوع رای وحدت رویه راجع به چیز دیگری است لهذا دادگاه دعوی مطروحه از ناحیه خواهانها را وارد ندانسته و مستنداً به ماده فوق الذکر رای صادره از ناحیه کمیسیون ماده واحده منشی بر ملی بودن مقدار ۵۱۰۳/۱۵۸۵ هکتار از قریه آقمشهد تائید میگردد رای صادره غیر قطعی و ظرف بیست روز قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر استان مازندران خواهد بود /

شماره ۱۴۸۴۶۹-۰۰۰۰۰۰۰۰ دفتر طرح و برشم روزی

ولی پور

دادرس شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی ساری